

## Necessity of Revising Athir al-Din Oomani's Anthology \*

**Dr. Mohammad Reza Pashaii**

**Dr. Hadi Dehghani Yazdeli**

Assistant Professors in Persian Language and Literature, Farhangian University of Tehran

**Dr. Hojjat Kojani Hesari**

PhD Graduated in Persian Language and Literature, Kharazmi University

### Abstract

Athir ol-Din Omani was a poet living in the sixth and seventh centuries (AH). The only remaining work by him is his anthology, which includes sonnets, ballades, odes, quatrains and Tarkib-bands (literally composite ties). His poems are a link between Khorasani and Iraqi styles. Due to the inclusion of the words, idioms, verses and interpretations of the poet's contemporaries as well as the presence of numerous historical and literary references in his poems, it is necessary to pay attention to the correction of his anthology. The book was revised by the library, museum and documentation center of the Islamic Parliament of Iran in 2011. This study reviews the revision and criticizes the errors and omissions of the revised version. Through the examination and analysis of the revised text based on the eclectic approach, the bugs and errors in that text are found as follows: the imperfect title of the newly published anthology, incorrect prefixes, typing and spelling mistakes, referencing mistakes, scientific errors, and slips in the writing of the works cited. Since every manuscript is considered as a valuable cultural and literary treasure, the errors of the revised version must be resolved in order to preserve the authenticity of the legacy. It is hoped that the findings of this study will be taken into consideration and that the mentioned shortcomings will be addressed in the next edition of the book.

**Keywords:** Manuscript, Criticism of the revision, Anthology of Athir ol-Din Oomani.

---

\* Date of receiving: 2018/07/25

Date of final accepting: 2019/02/04

- email of responsible writer: pashaei.reza@yahoo.com

فصلنامه علمی کاوش‌نامه

سال بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۹، شماره ۴۵۶

صفحات ۲۱۴-۱۸۹

## ضرورت تصحیح مجدد دیوان اثیرالدین اومانی\*

(مقاله پژوهشی)

**دکتر محمدرضا پاشایی<sup>۱</sup>**

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران

**دکتر هادی دهقانی یزدلی**

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران

**حجت کجانی حصارى**

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی

### چکیده:

اثیرالدین اومانی از شاعران قرن ششم و هفتم هجری است. تنها اثر برجای مانده از وی، دیوان اوست که شامل قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و ترکیب‌بندها می‌شود. در شعر این شاعر پیوندی میان سبک‌های خراسانی و عراقی دیده می‌شود و به دلیل شمول آن بر الفاظ، اصطلاحات، کنایات و تعبیرات رایج عهد شاعر و نیز وجود اشارات تاریخی و ادبی فراوان، دقت بیشتر در نقل دیوان مذکور، ضروری به نظر می‌رسید. تصحیح دیوان اثیرالدین اومانی در سال ۱۳۹۰ از سوی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر گردیده است و پژوهش حاضر بر اساس روش التقاطی، به بررسی و نقد اشکالات و سهوهای تصحیح نسخه مزبور می‌پردازد.

با بررسی و تحلیل متن فوق بر مبنای رویکرد التقاطی، اشکالات و لغزش‌هایی در آن متن، آشکار می‌شود که بدین قرارند: عنوان ناقص دیوان چاپی، ترجیحات نادرست در نسخه‌بدها، اغلاط نگارشی و املایی و رسم الخطی، لغزش در ارجاع‌ها، اشتباهات علمی و لغزش‌هایی در فهرست منابع. از آنجا که هر نسخه خطی در حکم گنجینه ارزشمند فرهنگی و ادبی محسوب می‌شود بایسته است که برای حفظ اصالت این دیوان نیز اشکالات وارد شده در تصحیح متن آن برطرف گردد. واژگان کلیدی: نسخه خطی، نقد و بررسی، تصحیح متون، دیوان اثیرالدین اومانی.

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۵/۳

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: pashaei.reza@yahoo.com

## ۱. مقدمه

هر یک از آثار مکتوب بازمانده از پیشینیان در حکم حلقه‌ای از زنجیره تمدن و فرهنگ این مرز و بوم است. بازخوانی دقیق و احیای این میراث مکتوب اگر بر مبنای اصول و موازین نقد و تصحیح علمی استوار انجام گیرد، می‌تواند گامی مؤثر در تکمیل این زنجیره علمی و شناخت صحیح‌تر فرایند تحول زبان و ادب فارسی باشد. برای رسیدن به این هدف، متون تصحیح شده باید قابل اعتماد باشند تا محققین بتوانند بر اساس آن، در پژوهش‌های خود، به این منابع تکیه کنند. این ضرورت، بخصوص در حوزه زبان و ادبیات فارسی، بیشتر آشکار می‌شود؛ زیرا هریک از این متون، گوشه‌ای از ساختار و تاریخ تطور زبان و ادبیات فارسی را نشان می‌دهند.

چنانکه اشاره شد، این پژوهش بر اساس رویکرد التقاطی، به بررسی دیوان اثیر می‌پردازد. رویکرد التقاطی شیوه‌ای است که در آن «نسخه مضبوط و معتبر از اثر مورد نظر به دست نیاید و نسخ موجود هیچ یک صحت و اصالت لازم برای مبنای کار قرارگرفتن نداشته باشد. در این شیوه، ذوق و دریافتی دخالت می‌کند که بر اثر ممارست در متن پژوهی و آموزش‌های گوناگون، تربیت شده است» (جهانبخش، ۱۳۸۴: ۳۰). این نوشتار با این شیوه، به بررسی و توصیف کاستی‌ها و قوت‌های تصحیح نسخه موجود «دیوان اثیر اومانی» می‌پردازد. تصحیح یادشده به کوشش امید سروری و عباس بگ‌جانی چاپ و منتشر شده است.

### ۱-۱. مرور مختصری بر احوال و شعر اثیرالدین اومانی

اثیرالدین اومانی، از شاعران قرن ششم و هفتم هجری، از اهالی اومان (اویمان) همدان است که در روزگار خود، به القابی چون «امیرالکلام»، «افضل الشعراء»، «ملک الشعراء» (جاجرمی، ۱۳۵۰: ۶۷۶، ۳۶۴ و ۷۰۷) و «گنجور معانی» (دولت‌شاه، ۱۳۸۲: ۱۷۲) نامبردار بوده است. این شاعر از آغاز شاعری، به مدح امیران کوچک و بزرگ محلی از جمله «علاءالدوله‌ها»، «پرچمیان» و گاه به مدح «خلیفه» و یا بزرگان درباری

«خوارزمشاهیان» می‌پردازد. در روزگاری که با دگرگونی و تغییر سبک خراسانی به عراقی و شکل‌گیری مکتب آذربایجان هم‌زمان است، او همچنان اشعار خود را به شیوه سبک خراسانی می‌سراید و به نظر می‌آید همین سبک سرایش که در آغاز شکل‌گیری مکتب دیگری از سوی شاعر انتخاب می‌گردد، علت گمنامی‌اش باشد.<sup>۱</sup> با این حال، وی گاه از حمایت‌های حاکمان و وزرا برخوردار است و گاه با بی‌مهری آنان روبرو می‌شود و زبان به هجو و شکوه از آنان می‌گشاید؛ یک‌بار نیز طعم تلخ زندان را به دلیل حسد حاسدان می‌چشد که زمینه سرودن حبسیه‌ای می‌گردد. شاعر همچنین در یک غزل و یک رباعی به مرگ فرزند خود اشاره کرده است.<sup>۲</sup>

کمال‌الدین اسماعیل (م ۶۳۵ق) و رفیع‌الدین لنبانی<sup>۳</sup> (م ۶۳۹ق) از شاعران هم‌دوره اثر بوده‌اند و از اثیرالدین قطعه‌ای درباره روابط دوستانه با کمال<sup>۴</sup> و قطعه‌ای دیگر در باب سوگ او<sup>۵</sup> باقی مانده است. از اثیرالدین در پایان عمرش (۶۵۵ یا ۶۶۵ هجری) دیوانی مشتمل بر ۴۰۰۰ بیت شامل قصیده، غزل، قطعه، ترکیب‌بند و رباعی باقی مانده است که ویژگی‌های سبکی خاص خود را دارد.

دیوان اثیرالدین اومانی از جمله آثاری است که با وجود قرار گرفتن در میانه دو سبک خراسانی و عراقی و هم‌زمانی با مکتب آذربایجان، چندان در معرض بررسی و تحقیق جدی سبک‌شناسی قرار نگرفته است؛ در عین حال، مؤلف تاریخ ادبیات در ایران، درباره سبک او می‌نویسد: «وی در شعر بیشتر متمایل به سبک انوری است و با آن‌که علو طبع و قدرت بیان و فصاحت گفتار انوری در او نیست، اما چون سادگی بر طبع او چیره است، اشعار او سهل‌تر و سلیس‌تر و شیرین‌تر به نظر می‌آید و چون عدم مبالغه او را در ایراد اصطلاحات و معانی علمی و لغات غریب عربی با سادگی بیان و مختصات از زبان و شعر فارسی در پایان قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم جمع کنیم، سبک او از سبک سخن انوری متمایز می‌شود» (صفا، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۰۲).

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون آثار اندکی دربارهٔ اثیرالدین اومانی نوشته شده است. احمدرضا یلمه‌ها در مقاله «گمنامی بنام در تاریخ ادب فارسی» (۱۳۹۱) به بررسی زندگی و احوال اثیرالدین اومانی پرداخته است. وی در این پژوهش به کندوکاو و اثبات شهرت و عنوان واقعی شاعر یادشده نیز توجه کرد. محمدرضا پاشایی در مقاله «زندگینامهٔ اثیرالدین اومانی» (۱۳۹۲) نخست، زندگی اثیرالدین اومانی را بررسی می‌کند و سپس، سبک شعری وی را تشریح و تبیین می‌کند. پاشایی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی ویژگی‌های سبک اثیرالدین اومانی» (۱۳۹۲)، سبک شعری اثیرالدین را بتفصیل، بررسی کرده است و مشخصات سبک خراسانی را در زبان و اندیشهٔ شعری شاعر تبیین و آشکار می‌نماید.

امید سروری و عباس بگ‌جانی، در «دیوان اثیر اومانی» (۱۳۹۰)، چاپ کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، ضمن تصحیح دیوان اثیر، در مقدمهٔ تصحیح خود، مفصلاً دربارهٔ زندگی، اوضاع تاریخی روزگار و ویژگی‌های شعری شاعر بحث کرده‌اند. در این مقدمه آمده است: «برای ارائهٔ متنی کامل، معتبر و نزدیک به سروده‌های اثیر در لفظ و صورت واژه‌ها و نیز در مفهوم و معنا، ابتدا تمامی نسخی که دیوان اثیر را در برداشتند شناسایی و تصاویر آن‌ها تهیه شد. پس از بررسی این نسخ، مشخص شد که هیچ‌کدام قدمت تاریخی نداشته و بیشتر آن‌ها متأخرند و سرنوشت اختلافات و ضبط‌های بسیاری نامعلوم است. از این رو، برای رسیدن به مقصود، شیوهٔ التقاطی برگزیده شد - شیوه‌ای با مطالعه و مقابله دقیق همهٔ نسخ و بررسی ضبط‌های موجود برای بهترین انتخاب» (همان: ۱۱۸).

با وجود تلاش فراوان این دو مصحح در تصحیح و توضیح دیوان نامبرده، اشکالات فراوانی در زمینه‌های املایی و نگارشی، لغزش‌هایی در ارجاعات، اشکالات علمی، ضبط نسخه‌های نامعتبر و امثال آن در این اثر رخ داده که زمینهٔ شکل‌گیری مقالهٔ حاضر را پدید آورده است. در عین حال، تاکنون هیچ نقدی بر تصحیح این دیوان انجام نشده و پژوهش حاضر در نوع خود، نخستین‌بار است که به این موضوع می‌پردازد.

### ۳-۱. روش پژوهش

مقاله حاضر با مقایسه و مقابله نسخ خطی مورد استفاده مصححان و ضبط نهایی آنها در متن چاپی، نکات به دست آمده را تقسیم‌بندی و ارائه کرده‌است و ساختار کلی نسخه چاپی مجلس شورای اسلامی، روش تصحیح و توضیحات مقدمه را نقد کرده‌است، سپس، با توجه به این که مصححان محترم در دیوان اثیر از روش التقاطی برای تصحیح متن استفاده کرده‌اند، در بسیاری از موارد به حاشیه دیوان رجوع شده‌است و هر جا که معنی بیت با توجه به صورت موجود، نامناسب بوده، با مراجعه به نسخه بدل‌ها، کلمات یا عبارات مناسب‌تر را جایگزین کرده و نسخه چاپ شده به نقد کشیده شده است.

### ۱-۴. معرفی نسخه‌های خطی

دیوان اثیراومانی دارای چند نسخه خطی است که در زمان‌های مختلف و با سبک و سیاق نساخان، نسخه برداری شده است. نسخه‌های موجود و در دسترس، خوشبختانه، در دو کتابخانه مجزا نگهداری می‌شود که در ادامه بحث به معرفی اجمالی آن پرداخته می‌شود.

### ۱-۴-۱. نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

الف. نسخه «خ» تذکره خلاصه‌الشعار و زبده‌الافکار  
این نسخه به خط مؤلف، میر تقی‌الدین کاشی است که در تاریخ (۹۹۹ق.) کتابت گردیده است و به شماره «۱۶۷۸۶» در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. کاشی مطالب را در ۲۶ برگ و در چهار ستون ۲۹ سطری کتابت کرده و برای تعداد معدودی از اشعار، عنوانی انتخاب نموده‌است. گزینش وی در بردارنده ۲۸۰۰ بیت از اشعار اومانی در قالب‌های قصیده، غزل، ترجیع‌بند، قطعه و رباعی و کهن‌ترین و معتبرترین نسخه موجود دیوان اثیرالدین اومانی است (اثیر اومانی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۱۰۱).

### ب. نسخه «ل» مجموعه دیوان‌ها

نسخه مزبور شامل دیوان‌های ازرقی هروی، حسن غزنوی، اثیرالدین اومانی، مختاری غزنوی، امیرمعزی و... است که به شماره «۷۸۸۶» در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.<sup>۶</sup> این نسخه به خط نستعلیق، در ۳۷۱ برگ احتمالاً در (قرن ۱۱ ق.) نوشته شده است و حدود ۳۰۰۰ بیت از قصاید، غزلیات، ترجیعات، قطعات و رباعیات اثیر را نیز در بردارد. ضبط‌های غلط این نسخه حکایت از بی‌دقتی و اهمال کاتب دارد (اومانی، ۱۰۳: ۱۳۹۰-۱۰۴).

### پ. نسخه «ج» دیوان اثیرالدین

نسخه یادشده به شماره «۲۳۷۳» محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و در سال (۱۲۸۵ق) بر روی ۱۴۴ برگ ۱۲ سطری به خط شکسته‌نستعلیق خوش‌کتابت شده است. کاتب در این متن، شرح حالی از اثیرالدین را به نقل از هفت‌اقلیم نقل می‌کند. متن نسخه حدود ۱۷۲۰ بیت از اشعار اومانی را با عناوین قرمز در برگرفته است. این نسخه توسط فردی غیر از کاتب با نسخه دیگری مقابله شده و اختلافات در هامش و بالای کلمات آمده است که تا حدودی مفید به نظر می‌رسد؛ علاوه بر آن بسیاری از اشعار عنوان‌بندی شده‌اند- هرچند ضبط‌های آن چندان درست به نظر نمی‌آید و غلط‌هایی دارد.

### ۱-۴-۲. نسخه‌های موجود در کتابخانه دانشگاه تهران

#### الف. نسخه «ب» مجموعه دیوان‌ها

نسخه «ب» مجموعه‌ای از اشعار اثیرالدین اومانی، ادیب صابر، شرف شفروه و رفیع لبنانی است که اصل آن به شماره «or.2846» در کتابخانه موزه بریتانیا محفوظ و فیلم آن به شماره «۱۵۰۱» در دانشگاه تهران موجود است.<sup>۷</sup> این نسخه در سال (۱۰۱۹ق) به خط نستعلیق توسط روحی رستم‌داری کتابت شده است و حدود ۳۰۰۰ بیت از دیوان اثیرالدین اومانی را در بردارد. صفحاتی پایانی این نسخه موجود نیست و در نتیجه

بخش‌هایی از قطعات و رباعیات را ندارد. این نسخه از بهترین و کهن‌ترین نسخ باقی‌مانده دیوان اثیرالدین است.

#### ب. نسخه «ت» مجموعه اشعار

ترکیبی از اشعار دیوان‌های اثیرالدین اومانی، مجیربیلقانی، ظهیرفاریابی، کمال‌الدین اسماعیل و ادیب صابر به شماره «۱۸۸۳» و محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. این نسخه به دست کاتبی نامشخص به خط نستعلیق در سده دهم قمری و در ۱۲۱ برگ ۲۱ سطری نوشته شده است؛ همچنین شامل ۲۳۰۰ بیت از قصاید، غزلیات، ترجیعات، مقطعات و رباعیات اثیرالدین است و بیشتر آن‌ها عنوان‌بندی گردیده‌اند.<sup>۸</sup> این نسخه نیز به لحاظ قدمت و ضبط‌های صحیح و داشتن عناوین نسبتاً مناسب، از اعتبار خوبی برخوردار است (اومانی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

#### ۳-۴-۱. نسخه‌های موجود در کتابخانه ملی ایران

##### الف. نسخه «م» مجموعه دو دیوان از شاعران

تنها نسخه موجود در کتابخانه ملی است که دیوان اثیرالدین اخسیکتی و اثیرالدین اومانی را شامل می‌گردد و به شماره «۲۴۰۱» در آن کتابخانه نگهداری می‌گردد.<sup>۹</sup> این نسخه به خط نستعلیق به دست ابن شیخ احمد بنی اسرائیل (۱۰۲۰ق)، بر روی کاغذ بخارایی، در ۲۳۹ برگ ۲۱ سطری، با در نظر داشتن ترتیب قوافی کتابت شده است. نسخه مزبور حدود ۳۸۰۰ بیت از اشعار اومانی را بدون عنوان در بر می‌گیرد (اومانی، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

##### ۲. بحث و بررسی

#### ۲-۱. نقد کلی دیوان، مقدمه، تعلیقات و خطاهای انتسابی

مقدمه هر اثر دریچه‌ای برای شناخت کلی یک متن است. مقدمه می‌تواند، آغازی برای شناخت کلی یک اثر باشد تا خواننده متن با افقی گشوده‌تر برای فهم بهتر متن از مقدمه بهره ببرد. مقدمه کتاب‌هایی که به تصحیح نسخه‌های خطی می‌پردازند از این قاعده



مستثنی نیست. مقدمه دیوان اثیرالدین اومانی از صفحه ۱۸ تا ۱۲۰ و تعلیقات آن از صفحه ۶۰۷ شروع می‌شود و در صفحه ۸۳۸ کتاب پایان می‌یابد.

#### ۲-۱-۱. سهو در عنوان انتسابی شاعر

کمال‌الدین اسماعیل در دیوانش که کهن‌ترین منبع معرفی اثیرالدین اومانی است، قطعه‌ای در جواب اثیر سروده است که در آن از وی با لقب «اثیر دین» یاد کرده است (کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۳۹۱). مصححان نیز به همین لقب در صفحه ۱۹ مقدمه و نیز در صفحات ۴۰، ۴۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷ اشاره کرده‌اند، درحالی‌که روی جلد دیوان چاپی، سهواً عنوان «دیوان اثیر اومانی» طبع شده است، درحالی‌که با توجه به اشاره کمال‌الدین به این شاعر، عنوان «اثیرالدین اومانی» صحیح است.

#### ۲-۱-۲. اشکالات نگارشی و املایی

با مطالعه کل دیوان، فقط ۸ مورد اشاره به تخلص «اثیر» به چشم می‌خورد درحالی‌که در سطر آخر صفحه ۱۹ تخلص «اثیر» ۹ مرتبه ذکر شده است و این در حالی است که مصححان نیز در پاورقی شماره ۴ فقط به ۸ مورد از آن تخلص اشاره کرده‌اند:

ای ز خرج کفت، مجاهزکان کرده با آفتاب انبازی

(اومانی، ۱۳۹۰: ۶۰۷)

این بیت از انوری است و در تعلیقات قصاید اثیرالدین ذکر شده؛ اما به اشتباه، در

همان تعلیقات میان حروف واژه «مجاهزکان» فاصله افتاده است.

گوش از پهلوی خود قوت خور و جان می‌کن چون من و شمع هر آن‌کس که به امید سخاست

(همان: ۱۷۱)

در بیت فوق با ضبط واژه «گوش» معنا و مفهوم بیت درست نمی‌نماید؛ بلکه ضبط

«کوش» درست‌تر است؛ یعنی «کوش (= تلاش کن) از پهلوی خود قوت خور و جان

می‌کن».

ز شوق حالتشان چرخ خرقه خرق کند وگرچه خرق در اشکال چرخ دور از راست  
(همان: ۱۷۷)

در پاورقی صفحه ۱۷۷ برای واژه «خرق» پی‌نوشتی آمده است که به ذکر نسخه بدل‌ها می‌پردازد و مصححان دیوان در آن می‌نویسند؛ «خ»: آرزوی کشف عطاست؛ «ل»: «ت»: روی سوی کشف عطاست (همان)؛ درحالی که توضیحات نسخه‌بدل‌ها هیچ ارتباطی به این بیت و واژه «خرق» ندارد؛ بلکه مربوط به دو بیت قبل از آن<sup>۱۰</sup> است. علاوه بر این شماره پی‌نوشت بر واژه «راست» قرار گرفته است؛ در حالی که این شماره پی‌نوشت باید بر واژه «خرق» ثبت می‌شد.

## ۲-۱-۳. لغزش در ارجاعات درون متنی

بیشتر ارجاعات درون‌متنی این تصحیح، با یکی دو صفحه پس یا پیش از بخش‌های مربوط به ارجاعات نوشته شده‌اند. در پاورقی صفحه ۱۹، شماره‌صفحاتی آمده است که تخلص شاعر در آن‌ها می‌آید و برخی از شماره‌صفحات یاد شده اشتباه است و در پاورقی شماره ۴ آمده است. مصححان متن برای اشاره به تخلص شاعر در صفحات مختلف، می‌نویسند؛ «رک. دیوان، صص ۱۹۹، ۲۴۷، ۳۰۰، ۴۰۶، ۴۲۱، ۴۳۴، ۴۵۷، ۵۷۹» (همان: ۱۹). در صورتی که صفحات ۴۰۴ صحیح و ۴۰۶ غلط، ۴۱۹ صحیح و ۴۲۱ غلط، ۴۳۲ صحیح و ۴۳۴ غلط، ۴۵۵ صحیح و ۴۵۷ غلط است.

در پاورقی شماره ۵ صفحه ۳۶ به بزرگداشت خلیفه اول و دوم توسط اثیرالدین در پاورقی ۵ صفحه ۳۶ اشاره شده است؛ ولی مصححان درباره این موضوع به اشتباه به صفحه ۴۱۶ ارجاع داده‌اند؛ حال آن‌که صفحه ۴۱۴ صحیح است.

در سطر دوم صفحه ۵۱ آمده است که اثیر در قصیده‌ای، شعرشناسی و قدرت نقد شعر سلیمان‌شاه را ستوده است و در پایان جمله، در پاورقی به صفحه ۳۳۰ دیوان ارجاع داده شده است؛ اما چنین ارجاعی در متن تصحیح شده، موجود نیست.

در مقدمه دیوان در مورد زادگاه اثیر، مصححان به منطقه «اومان» اشاره می‌کنند و می‌نویسند «اثیر نشان می‌دهد این روستا به مقر حکومت سلیمان‌شاه بسیار نزدیک بوده و با احتمال قوی، جزو قلمرو وی و کردستان قدیم بوده است» (همان: ۲۰) و در پاورقی ۵ به صفحه ۳۱۷ ارجاع داده می‌شود. باز، در صفحه مذکور چنین اشاره‌ای وجود ندارد، بلکه مطلب به صورت مبهم در صفحه ۳۱۶ آمده است.

در مقدمه دیوان اثیرالدین در مورد مذهب او نوشته‌اند که احتمالاً پیرو مذهب اهل جماعت و سنت بوده و در پاورقی شماره ۵ به اشتباه به ص ۴۱۶ ارجاع داده شده که چنین ارجاعی<sup>۱۱</sup> مربوط به ص ۴۱۴ است (اثیرالدین اومانی، ۱۳۹۰: ۳۶).

در مقدمه صفحه ۴۸ ذکر شده است که اثیرالدین، سلیمان‌شاه را در ضمن مدیحه خویش، «ملک ایوه» خطاب نموده و در پاورقی به شماره صفحاتی ارجاع داده شده که برخی نادرست است؛ از جمله: صص ۱۶۷، ۲۵۷ (۲۵۶ صحیح است)، ۲۷۶ (۲۷۵ صحیح است)، ۳۵۷، ۵۶۶، ۵۸۵ (همان: ۴۸).

## ۲-۱-۴. لغزش های علمی

در مقدمه این کتاب مصححان پیرامون تأثیرپذیری اثیرالدین اومانی از شاعران پیشین، به بیتی از عبدالواسع جبلی اشاره می‌کنند و سپس به تأثیرپذیری اثیر به بیتی اشاره می‌کنند، حال آن‌که هیچ ارتباطی بین این دو بیت وجود ندارد.

اگر بیارم خونابه و برآرم آه بر این مصیبت ناکام و وقعت ناگاه

عبدالواسع:

چه اوفتاد ندیدی زمانه را ناگاه ز شور طالع می‌شوم و اختر گمراه

(همان: ۹۴ - ۹۵)

جمال‌الدین:

ای زده لیبک شوق از غایت صدق و صفا بسته احرام وفا در عالم خوف و رجا

اثیرالدین:

ای چو خور فرخنده مقدم ای چو مه میمون لقا خرم و شاد آمدی اهلاً و سهلاً مرحبا  
(همان: ۹۵)

جمال الدین:

این همه لاف مزن گرچه تو را سیم و زر است که زر و سیم بر اهل خرد مختصر است  
اثیرالدین:

خیز و بزم طرب افروز که وقت سحر است افق مشرقی از عارض گل تازه تر است  
(همان: ۹۵)

خاقانی:

صبحدم چون کله بندد آه دود آسای من چون شفق در خون نشیند چشم شب پیمای من

اثیرالدین:

ای ز بدو حال بوده لطف تو غمخوار من وی همیشه خاک درگاه تو استظهار من  
(همان: ۹۵)

مصححان در مقدمه، پیرامون اثرگذاری اثیرالدین اومانی بر شاعران پس از خود به بیت‌هایی اشاره کرده‌اند که برخی از آن‌ها نشان هیچ‌گونه تاثیری خاص بر شاعران پس از او نیست و صرفاً تکرار یک واژه یا ترکیب است. کاربرد این گونه واژه‌ها نه بر اثر تاثیر سبکی و فکری و خیالی شاعران بر یکدیگر، بلکه نشان از یک سنت یا الگوی فکری و خیالی عام است که در دوره‌های گوناگون از سوی شاعران دست به دست می‌شده است؛

اثیرالدین:

خیز و بزم طرب افروز که وقت سحر است افق مشرقی از عارض گل تازه تر است  
سلمان ساوجی:

ای که روی تو به صدبار ز گل تازه تر است از حیایت به عرق روی گل تازه، تر است  
(همان: ۹۷)

مصحّحان در بخش قصاید، تصویر «مضاحک برق» را اضافه تشبیهی دانسته‌اند؛ درحالی‌که ترکیب یادشده اضافه استعاری است (اومانی، ۱۳۹۰: ۶۰۸).

اگر چه ابر نمی‌خندد از مضاحک برق ولی ز قهقهه، گل باز می‌فتد به قفا (همان: ۱۴۳)

از صفحه ۳۹۷ تا ۴۰۱ تصحیح، قطعه‌ای ۳۴ بیتی با عنوان «و له فی المدح و یصف فیه القلم» بر اساس نسخه بدل «ت» آمده است. شاعر در این قطعه تنها در چند بیت اندک به توصیف کلک می‌پردازد و بر اساس آن چند بیت اندک انتخاب عنوان «یصف فیه القلم» چندان درست به نظر نمی‌آید؛

کلک دیدم در کفت گفتم مگر طوطی است، لیک باز گفتم جای طوطی طرف دریابار نیست نسبت کلکت به طوطی می‌نشاید کرد از آن کاو شکر خوار است چون کلکت شکرگفتار نیست... (اومانی، ۱۳۹۰: ۳۹۷-۴۰۱)

## ۲-۱-۵. لغزش در ارجاعات پایانی

ارجاعات بجا و صحیح، اساس و بنیان یک پژوهش است. از سوی دیگر تصحیح متون از جمله پژوهش‌های پرزحمت و تاثیرگذار است که باید در روش ارجاع‌دهی به وسواس و دقت تمام در آن کوشید؛ چرا که مایه تحقیق، یک اثر فرهنگی و متعلق به میراث گذشتگان است.

در صفحه ۶۳۰ دیوان تصحیح‌شده، بیتی از «مختاری»، شاعر قرن ششم ذکر شده، در حالی که در فهرست منابع اشاره‌ای به منبع آن نشده است؛

این شعر گواه بس بدین معنی از حکم شریعتی و دیوانی (مختاری، ۵۱۸)

کتاب «خلاصة الأشعار و زبدة الأفكار مفصل‌ترین تذکره زبان فارسی، نوشته تقی‌الدین محمد بن شرف‌الدین علی حسینی کاشانی، از نویسندگان دوره صفویه» است (تقی‌الدین کاشی، ۱۳۸۶: ۲۲). این اثر در شرح احوال شاعران متقدم، متأخر و معاصر نویسنده است نگارش آن بیش از چهل سال طول کشید و پس از اتمام کار در سال

۱۰۱۶ق به شاه طهماسب اول (حک ۹۹۶-۱۰۳۸ق) تقدیم کرد. (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۵۴۰). در پاورقی مقدمه به «خلاصه‌الشعار» ارجاع داده شده، در حالی که در فهرست منابع، این کتاب معرفی نشده است (اومانی، ۱۳۹۰: ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۴، ۳۷، ۳۹).

در پاورقی صفحه ۵۰ به کتاب «حبيب السیر» اشاره می‌شود؛ همچنین در پاورقی صفحه ۴۷ به دیوان «نجیب‌الدین گلپایگانی»؛ در پاورقی صفحه ۵۱ به کتاب «روضة الناظر»؛ در پاورقی صفحه ۵۴ به جنگ «شاه شجاع» و جنگ «اسکندر میرزا» و در پاورقی صفحه ۶۰ به کتاب «تاریخ جلالی» اشاره شده که در فهرست منابع به معرفی دقیق آثار مربوط به آن پرداخته نشده است.

در بخش پاورقی صفحه ۴۰۲، عدد «۳» دوبار به‌عنوان شماره پاورقی تکرار می‌شود؛ بنابراین تمام ارجاعات این صفحه (۱۲ ارجاع) همگی اشتباه ثبت شده‌اند.

تنم که یافته بُد مالش جهان چون موم چو دید پرتو خورشید، ناگهان بگداخت  
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۶۳)

در بیت بالا مصححان محترم بر روی واژه «ناگهان» شماره پاورقی ضبط کرده‌اند و در توضیح آن نوشته‌اند؛ که این بیت در نسخه «ج» موجود نیست (همان). منظور ایشان از درج پاورقی و توضیح مربوط، در ارتباط با کل بیت است و در این حالت، شماره پاورقی اصولاً باید بر روی آخرین واژه بیت قرار گیرد نه بر واژگان میانی مصراع یا بیت.

خاک ببوسد خور و آن‌گه کند سده درگاه ورا استلام  
(همان: ۲۷۷)

بیت فوق نیز دارای ایراد پیش‌گفته است. مصححان بر واژه «سده» پاورقی ثبت کرده‌اند و توضیحی را نه برای یک واژه بلکه برای کل بیت آورده‌اند و نوشته‌اند که این بیت در نسخه «خ» وجود ندارد، با این وصف شماره پاورقی باید در پایان بیت ثبت شود.

کنون چو جوهر فردم زمان تنهایی ست که از مفرق قسمت، ره امان دیدم  
(اثیرالدین اومانی، ۱۳۹۰: ۲۹۱)

مصححان در بیت بالا و در صفحه ۲۹۱ در ارتباط با ترکیب «قسمت ره» در پاورقی به عبارت «قسمت ده این» ارجاع داده‌اند؛ در حالی که منبع آن یعنی نسخه بدل‌های مربوط به ترکیب «قسمت این ده» معرفی نشده است.

گر چه از دست و پا ده کم شلی سست و مستی همیشه واجرم (؟)

(همان: ۲۹۹)

این بیت دارای پی‌نوشت شماره ۷ و ۸ است؛ در حالی که در صفحه ۲۹۹ تمام ارجاعات تا شماره ۱۶ جایجا ثبت شده و در نتیجه ارجاع شماره ۷ و ۸ هم به درستی ضبط نشده است.

تخلصی بشنو ای یگانه آفاق ز عنصری که بود اوستاد فن سخن

«به تیغ گه بر، از آن ابر گسترد کرباس که تا به پیش تو آرد زمانه تیغ و کفن»

به گفته مصححان دیوان، در دو بیت بالا، بیت نخست از اثر و بیت دوم از عنصری است که اثرالدین آن را در شعر خود تضمین کرده است (همان: ۴۸)؛ اما مصححان محترم هیچ منبعی را برای شعر اثر و عنصری ذکر نکرده‌اند.

## ۲-۲. لغزش های تصحیح متن

### ۲-۲-۱. ترجیح ضبط‌های نادرست از نسخه بدل‌ها

مصححان محترم در بخشی از مقدمه کتاب بیتی از عنصری را آورده‌اند و در ادامه اثرالدین را تأثیرپذیر از آن بیت دانسته‌اند؛ این در حالی است که در ضبط بیت عنصری خطا رخ داده است:

ایا شنیده هنرهای خسروان به هنر بیا ز خسرو مشرق عیان ببین تو هنر

(اومانی، ۱۳۹۰: ۹۳)

با بررسی بیت فوق از قصیده ۳۴ عنصری (عنصری، ۱۳۶۳: ۱۲۵) ضبط درست از

مصراع اول چنین است؛ /ایا شنیده هنرهای خسروان به خبر... .

به یک دو هفته جهان پُرکند ز لؤلؤ تر چنین که ابر مجاهز نشست در دریا

(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۴۱)

شاعر در بیت فوق به ابرهای باران‌زا اشاره می‌کند. در مصراع دوم مصححین ضبط «در» را برگزیده‌اند که با توجه به محور همنشینی واژگان در مصراع مربوط و سابقه کاربرد معنایی «نشستن بر دریا» در زبان و ادبیات فارسی، انتخاب «در» بی‌معنا می‌نماید؛ چراکه ابر «بر» چیزی می‌نشیند نه «در» چیزی؛ با وجود این در نسخه «خ» و «ب» هم به «بر» اشاره شده است؛ بنابراین کاربرد «ابر مجاهز بر دریا نشست» درست‌تر می‌نماید. مولانا در تصویر مشابه، می‌گوید: /ابر من دی بر لب دریا نشست (مولانا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۷۷: ۶)

گل دوروی چنان زرد و سرخ با هم هست      که بر نهاده به هم روی وامق و عذرا  
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۴۲)

گل دو روی، گلی است که یک روی آن زرد و روی دیگر آن سرخ است و آن را گل رعنا و زیبا نیز می‌خوانند (دهخدا، ذیل گل دورو). شاعر از گل دو روی به‌عنوان مشبه در مصراع اول استفاده می‌کند. اما مصحح در پایان مصراع اول ضبط «سرخ با هم هست» را می‌گزیند. این انتخاب مصحح سکتۀ وزنی ایجاد می‌کند و در معنا نیز ابهام؛ زیرا روی وامق و عذرا به‌عنوان شیفتگان مشهور ادبی در مصراع دوم همین بیت «روی بر هم نهاده» تصویر شده‌اند؛ پس ضبط «سرخ با هم هست» اشتباه می‌نماید و مناسب است که مصححین نسخه بدل «م» یعنی «سرخ در بر هم» را برگزینند؛ یعنی

گل دو روی چنان زرد و سرخ در بر هم      که بر نهاده به هم روی وامق و عذرا  
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۴۲)

چنانکه انوری در مورد رو بر روی بودن گل دو رو را چنین می‌گوید:

چو لاله شوم سوخته دل گر بنهم      مانند گل دو رویه رو بر رویت

(انوری، ۱۳۶۴، ج ۲: ۹۶۷)

به دست باد، جهان در دهان خاک افکند      هر آن نواله که پیچید گل ز باد هوا

(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۴۳)

نواله لقمۀ خوراکی برای گذاشتن در دهان است.



از دست تو خوش نایدم نواله      زیرا که نواله است پراستخوان «ناصر خسرو»  
(دهخدا: ذیل نواله)

بنابراین کاربرد «باد هوا» درست به نظر نمی‌رسد. در محور همنشینی واژگان و در سنت ادبی شاعران، همنشینی «باد» و «صبا» و «گل» درست‌تر و زیباتر می‌نماید و همچنین نسخه «ب» و «خ» صورت «صبا» را ضبط کرده‌اند؛ بر اساس موارد یادشده، ضبط اخیر درست‌تر به نظر می‌رسد؛ یعنی «هر آن نواله که پیچید گل ز باد صبا».

شه ستوده‌سیر خسرو سلیمان‌فر      که هست هر چه بیاید ورا مگر همتا

(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۴۳)

مصححین ضبط «که هست هر چه بیاید» را برگزیده‌اند حال آنکه نسخه «ل» ضبط «که هفت چرخ نیابد» را ترجیح داده است و معنای مناسب‌تری دارد؛ «که هفت چرخ نیابد ورا مگر همتا». در برداشتی دیگر نسخه «خ» صورت مصراع دوم را «که هر چه خواست بیاید ز حق مگر همتا» ضبط کرده است؛ ضبط اخیر معنای زیباتری دارد؛ زیرا با توجه به تاثیری که اثر از انوری دارد این مضمون در بیتی از انوری چنین آمده است؛

ای یافته هر چه جُسته از گیتی      جز مثل که این یکی نمی‌یابی

(انوری، ۱۳۶۴، ج ۱: ۴۵۲)

زهی محیط دلت داده ابر را ادرار      فزوده ابر کفّت رود نیل را اجرا

(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۴۴)

در بیت فوق، «محیط» به معنای «اقیانوس و دریای بزرگ» است (دهخدا، ذیل محیط) که به عنوان حقوق و مقررری آب به دریا می‌دهد؛ بنابراین کاربرد «ابر» در مصراع اول نادرست است. بهتر بود از صورت «بحر» که در نسخه «ل» آمده است، استفاده می‌شد؛ زیرا این بیت بخشنندگی ممدوح را می‌ستاید و اقیانوس به‌عنوان پاداش، آب را به دریا (بحر) می‌بخشد.

منت ایزد را که چون تابان مهی بازآمدی      گرچه بودی رفته دور از دیده‌ها همچون سها  
دست اول با هزار ابکار چین پیش‌ت نهاد      چون قبای ملک می‌انداخت بر قلدت قضا

(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹)

در نسخه‌های «م»، «ت» و «ل» به جای «دست اوّل با هزار ابکار»، «دست اوّل شاید ار پیکار» ثبت شده است و اولویّت دارد؛ البته به نظر می‌رسد «شاید ار پیکار» صحیح‌تر باشد؛ «دست اوّل شاید از پیکار چین پیش‌ت نهاد».

بر خیال کژ، مه نو منحنی شد تا مگر      بهر زین مرکب خاص تو سازندش حنا  
تا به شکل نعل اسبت زان برآمد ماه نو      تا بدان صنعت سم اسب تو بوسد دائماً  
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

بر اساس ترجیح مصحّحین در ابتدای مصراع اوّل بیت فوق حرف «تا» آمده است و اشتباه است. در نسخه «ت» هم حرف «یا» به جای «تا» به کار رفته است و کاملاً صحیح است و معنای مناسبی با بیت دارد؛

بر خیال کژ مه نو منحنی شد تا مگر      بهر زین مرکب خاص تو سازندش حنا  
یا به شکل نعل اسبت زان برآمد ماه نو      تا بدان صنعت سم اسب تو بوسد دایماً

همچو اشک من جهان بر سر گرفتی آب ابر      گر نه از بحر کف راد توآش بودی حیا  
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

در ارتباط با بیت فوق، در نسخه بدل «ل» و «خ» به جای «ابر» واژه «ریز» آمده است؛ «همچو اشک من جهان بر سر گرفتی آبریز». در این صورت، بیت معنای مناسب‌تری می‌یابد. در مصراع دوم مصحح از «حیا» در معنای ایهامی استفاده کرده است در حالی که ایهامی ندارد و صورت منتخب مصحّحین اشتباه است. بهتر بود از ضبط نسخه «م» استفاده می‌شد؛ «گر نه از بحر کف راد توآش بودی عطا». به هر روی، صورت موجود مناسب‌تر از صورت نسخه چاپ مجلس است.

عجب مدار که گوی زمین بی سر و پا      چو جرم چرخ بجنبد به مقتضای قضا  
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴)

مقتضا به معنای «تقاضا کرده شده، طلب شده، درخواست شده» است (دهخدا، ذیل مقتضا). در نسخه بدل «م» به جای مقتضا واژه «اقتضا» ضبط شده است. اقتضا به معنای وام بازخواستن و تقاضا کردن است (دهخدا، ذیل اقتضا) که با توجه به معنای مصراع

دوم و بافت معنایی بیت صورت مناسب‌تری است تا واژه مقتضا؛ «چو جرم چرخ  
بجنبد به اقتضای قضا».

بلی هر آنچه من و تو به عقل دریابیم گهی بود که صواب افتد و بود که خطا  
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴)

در بیت بالا، مفهوم مصراع دوم بیت، ابهام و تعقید معنوی دارد، درحالی که  
نسخه بدل «م» مصراع: «گهی بود به صواب و گهی بود به خطا» را ضبط کرده است که  
بافت روان و معناداری دارد و آن تعقید و ابهام پیش‌گفته را می‌زداید.

بلی هر آنچه من و تو به عقل دریابیم گهی بود که صواب افتد و بود که خطا

که پُر بود که پی حل مشکلات علوم کند مشابَهت عقل، وهم هرزه‌درا  
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

مفهوم مصراع اول با واژه «پُر» نامشخص و مبهم است. مصراع یادشده، مفهوم  
انزجار را بیان می‌کند و کراهت از مقایسه و تناسب دو موضوع را مطرح می‌کند.  
نسخه بدل «خ» به جای واژه «پُر»، «بد» را ترجیح داده است که کاملاً درست به نظر  
می‌رسد؛ «که بد بود که پی حل مشکلات علوم».

که شب ز سیر ستاره خیال می‌کردم که چرخ را مگر از هم همی شود اجزا  
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۵)

نسخه «م» به «از هم جدا شود» اشاره کرده درحالی که نگارنده براین نظر است که با  
این خوانش اخیر هم معنا و هم روانی کلام حفظ می‌شود و اسلوب وزن شعر هم  
نابسامان نمی‌گردد. «هم جدا شود» صحیح است؛ «که چرخ را مگر از هم جدا شود  
اجزا».

کزین سپس دل عشاق نیز ننشیند ز بیم در شکن زلف و طره و رعنا  
(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۵۷)

در نسخه «ج»، «طره» در مصراع دوم به کار نرفته است و در عوض، واژه «شاهد» را  
ضبط کرده است. به نظر می‌رسد ضبط نسخه «ج» مناسب‌تر است و در نتیجه با

تصویر «زلف شاهد رعنا» جنبه موسیقایی و تصویری و معنایی بیت، دل‌انگیزتر می‌گردد: «ز بیم در شکن زلف شاهد رعنا».

موسم خرم‌ن گل اهل خرد غم نخورند از پی حاصل عمری که چو گل بر گذر است  
(همان: ۱۷۲)

در مصراع دوم این بیت ترکیب «بر گذر است» درست نمی‌نماید. نسخه «م» به جای «بر»، ضبط «در» را صحیح می‌داند که دقیق‌تر به نظر می‌رسد؛ «از پی حاصل عمری که چو گل در گذر است».

از نامده و رفته چه پرسى که یقین است نز آمده سود است و نه از رفته زیان است؟  
(همان: ۱۸۸)

نسخه‌بدل‌های «م» و «ج» به جای واژه «نیامده» از کلمه «آمده» استفاده کرده‌اند که البته با توجه به مصراع دوم، ضبط «آمده» درست‌تر است؛ «از آمده و رفته چه پرسى که یقین است».

دلیل دولت تو گرچه ز آن پدیدتر است که او نشان سعادت همین قدر دارد

ولی مدیح اثیر از پی مآثر خیر به کار و بار بزرگان بسی اثر دارد  
(همان: ۱۹۹)

نسخه‌بدل «م» به جای «ولی» از واژه «بلی» استفاده کرده است، که درست‌تر است و با این انتخاب، ایهام تضاد نیکویی ساخته است؛ «بلی مدیح اثیر از پی مآثر خیر». شهی بدین همه آداب خسروی موصوف که رأی پیر و دولت جوان باشد  
(همان: ۲۰۹)

نسخه‌بدل‌های «ب» و «م» مصراع دوم بیت بالا را این‌گونه ضبط کرده‌اند که صحیح‌تر است و از لحاظ تصویری نیز زیباتر می‌نماید؛ «که رأی او بدن ملک را روان باشد».

دوم نتیجه خورشید و هم نه آن خورشید کز آشیانه مریخش آشیان باشد

ولی بلندمکانی که اوج مرتبتش هزار منزل از آن سوی لامکان باشد

(همان: ۲۱۰)

نسخه‌بدل‌های «ب»، «م» به جای کاربرد «ولی» به «بلی» اشاره کرده‌اند که مناسب‌تر می‌نماید. با این ضبط اخیر، بیت دارای تأکیدی می‌گردد که صورت بلاغی آن را موکدتر می‌سازد؛ «بلی بلند مکانی که اوج مرتبتش»

تا درد قدم بچیندت درد روزی دو بر تو گشت پابست

(همان: ۳۹۲)

مصححان در پاورقی برای واژه «درد» در بیت بالا به نسخه‌بدل «ب» استناد کرده‌اند؛ درحالی‌که نسخه بدل پاورقی و نسخه اساس هر دو یک نظر را دارند و نیازی به ذکر نسخه بدل نبوده است.

## ۲-۳. خطاهای املائی، چاپی و ویرایشی

دقت و تیزبینی در تصحیح متون، باید هر گونه سهو و خطایی را در زمینه املا و چاپ و ویرایش اجزای زبانی متن، از نظر دور ندارد. چنین دقت‌هایی باعث می‌شود که علاوه بر رعایت امانت، متن تصحیح‌شده روان و گویاتر بر ذهن و زبان مخاطب و اهل پژوهش بنشیند. متنی که این پژوهش به بررسی و واکاوی آن می‌پردازد، در موارد بسیاری با خطاهای ویرایشی و کم‌دقتی روبه‌رو است. بایسته است که رفع چنین سهوهایی در انتشار بعدی متن در کانون توجه مصححان قرار بگیرد.

به خون دل چو هر آن برگ کو فراهم کرد بخیره، باد ستم‌پیشه می‌کند یغما

(همان: ۱۴۳)

ویرگول نشانه مکث است و در این بیت بهتر بود علامت ویرگول بین «خیره، باد»

قرار می‌گرفت تا فعل «باد» به اشتباه دعایی خوانده نشود.

چو موم اگر نه پذیرای مهر امر توآند ز دست دهر بیابند مالشی به سزا

(اومانی، ۱۳۹۰: ۱۴۶)

صورت نوشتاری واژه «به سزا» که در بیت بالا آمده است، دقیقاً بیانگر صفت نیست درحالی که پس از کلمه «مالش» به صفتی نیاز است؛ بنابراین برای فهم پایان مصراع «بسزا» صحیح است.

کشورش کشتی امن است و کفش خودی بذل      خاصه این دور که بگرفته جهان طوفان است  
(همان: ۱۸۵)

کاربرد واژه «خودی» در بیت معنا ندارد و همان‌گونه که در تعلیقات متن تصحیح شده توضیح داده شده است، واژه «خودی» درست است: «کشور کشتی امن است و کفش خودی بذل».

از آن که همزه آوازه مناقب توست      مدام پیکر مه رخ سوی سفر دارد  
(همان: ۱۹۶)

در پاورقی صفحه ۱۹۶ کلمه «دارد» در مصراع دوم را به عنوان نسخه بدل آورده‌اند؛ حال آن که قصد مصححان محترم واژه «سفر» بوده است؛ بنابراین به اشتباه به کلمه «دارد» ارجاع داده‌اند که کاملاً اشتباه است.

در آن مقام که مستودع نیام، حسام      درون مرکب ارواح مستقر دارد  
(همان: ۱۹۷)

ضبط کلمه «مرکز» غلط به نظر می‌رسد و صورت «مرکز» درست‌تر است: «درون مرکز ارواح مستقر دارد».

کس جز دل عدوت نداند که اندر او      رمحت چه پیش برد و سنانت چه کار کرد  
(همان: ۲۰۰)

برای واژه «جز» ارجاع شماره (۳) و برای واژه «رمحت» نیز همان شماره ارجاع ثبت شده است درحالی که در پاورقی به ترتیب شماره‌های ارجاع ۳ و ۴ ثبت شده و برای هر یک توضیحاتی نیز نوشته شده است.

درنگ خواه بود جان هر سخن که بدان      بقای مادح و ممدوح جاودان باشد  
(همان: ۲۱۳)

در صفحه ۲۱۳ در پایان مصراع اول بیت بالا به پاورقی‌ای ارجاع داده شده و در آن توضیح داده می‌شود که نسخه «ل» این بیت را ندارد؛ درحالی‌که محل ارجاع پی‌نوشت در پایان مصراع اشتباه است و باید در پایان بیت، ارجاع داده شود.  
از ناف شب چو روی هوا مشکبار شد گیتی مسخر شب مشکین شعار شد  
(همان: ۲۱۴)

در صفحه ۲۱۴ و برای توضیحی برای بیت فوق، مصححان بر روی واژه «شعار» شماره (۵) قرار داده‌اند؛ اما در پاورقی، توضیحات نسخه‌بدل‌های مربوط را با شماره (۶) ثبت کرده‌اند. در پاورقی صفحه ۲۱۸ نیز توضیحات شماره‌های (۷) و (۸) جابه‌جا نوشته شده است. در صفحه ۲۳۰ نیز در دو بیت چهارم و هشتم ارجاع شماره (۵) ثبت شده و نادرست است. همچنین، در پاورقی همین صفحه یک ارجاع کمتر ثبت شده است که بدین ترتیب از شماره (۴) به بعد، شماره همه ارجاع‌ها جابه‌جا و نادرست است.

عمل نکرده و معزول گشته‌ام گویی که این قضیه چه خوانند بخردان بصیر  
(همان: ۲۴۷)

نهیب حمله سرما و تیر صاعقه را کنون به جز سپر پوستین که دارد تاب  
(همان: ۳۸۸)

بهر تشریف معلم گویا چون آستین بوسه کی بر دست شاه کامران خواهم نهاد  
(همان: ۴۱۳)

برای خوانش درست و فهم آسان‌تر ابیات سه‌گانه بالا لازم است که در پایان چنین ابیاتی حتماً علامت سؤال قرار گیرد؛ اما در دیوان تصحیح‌شده از این نکته غفلت شده است و بیت دارای علامت سؤال نیست؛ «... که این قضیه چه خوانند بخردان بصیر؟» و هکذا.

شدم به قول خرد، عزلت و قناعت را بجان خریدم اگرچند رایگان دیدم  
(همان: ۲۹۰)

به نظر می‌رسد برای حفظ رسم الخط فارسی و استقلال واژگانی، ترکیب «بجان» باید جدا و به صورت «به جان» نوشته شود.

متاع فضل به بازار روزگار امروز بغایت است کساد ارچه نیک شد نایاب  
(همان: ۳۸۸)

ترجیح پیش گفته در بیت پیشین برای واژه «بغایت» در بیت بالا نیز صادق است و  
بهتر است به صورت «به غایت» نوشته شود.

ز شرم نور ضمیر مبارکت هر شام فلک به گل رخ خورشید را بیاندوده  
(همان: ۳۳۷)

بر اساس قواعد زبانی «(ب، ن، م) هرگاه بر سر فعلی درآیند که با «آ» آغاز  
می شود، علامت مد از الف حذف و به «ی» بدل می شود (جز بایستاد): بیفزود»  
(ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۳)؛ بنابراین در بیت بالا، رسم الخط «بیندوده» درست است نه  
«بیاندوده».

در پاورقی صفحه ۴۱۴ و ۴۱۵<sup>۱۳</sup> دیوان چاپی و در ارجاع شماره یک، مصححان  
توضیح می دهند که عنوان شعر این صفحه از نسخه «ت» انتخاب شده است و حتی  
عنوان را نیز در پاورقی آورده اند؛ اما در ابتدای شعر (همچون دیگر اشعار) هیچ عنوانی  
نوشته نشده است؛ حال آنکه که عنوان صدر تمام اشعار از نسخه «ت» انتخاب و ضبط  
شده است.

### نتیجه

بنا بر آنچه بیان شد در دیوان اثیراومانی که امید سروری و عباس بگجانی در سال  
۱۳۹۰ توسط کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر کرده اند،  
اشکالات و سهوهای رخ داده است. با بررسی و تحلیل متن تصحیح شده بر مبنای  
رویکرد التقاطی، اشکالات و لغزش هایی در این تصحیح دیده شده است که بدین  
قرارند؛ عنوان ناقص دیوان چاپی، ترجیحات نادرست در نسخه بدل ها، اشکالات  
نگارشی و املایی، ارجاعات نادرست و ناقص، لغزش های علمی، اشکالات رسم الخطی،  
لغزش در نگارش ارجاعات درون و برون متنی و فهرست منابع. با توجه به ارزش و  
اهمیت تصحیح نسخه های خطی و ضرورت ارائه نسخه ای کاملاً صحیح، ضروری است



برای حفظ اصالت و انتقال گنجینه‌ها و میراث‌های ادبی گذشتگان، نسخه‌ها با دقت بیشتری تصحیح و مقابله شوند و برخی چون نسخه مذکور مجدد تصحیح گردد.

### یادداشت‌ها

۱. برای آشنایی بیشتر با زندگی نامه اثیرالدین اومانی به مجله تاریخ ادبیات شماره ۷۳/۳ صص ۷۹ تا ۱۲۲ مراجعه کنید
۲. مطلع غزل:

پشتم ز گوی چرخ چو چوگان خمیده شد      وز نشتر فراق روانم خلیده شد  
(اثیراومانی، ۱۰۲۰: ۱۱۰)

مطلع رباعی:

- چون غنچه لبش باز نخندید تمام      در خاک شد آن زمانه نادیده تمام (اثیر اومانی، ۱۰۲۰: ۱۸۴)
۳. در دیوان اثیرالدین هیچ اشاره ای مبنی بر ارتباط این دو با هم وجود ندارد اما ذبیح الله صفا به نقل از دولت‌شاه می‌گوید که اثیرالدین اومانی اوصاف سخنوری او را بسیار به نظم درآورد (صفا، ۱۳۸۷، ج ۳: ۴۰۱)

۴. جهان جان معانی خدیو کشور فضل      که فخر جان و جهان شد تو را ثنا کردن  
کمال ملت و دین ای که بر خرد فرض است      به سنت سخن خوبت اقتدا کردن  
(کمال الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۳۹۸)

اثیر دین را رسمی است بر زبان قلم      پیام روح قدس دم به دم ادا کردن  
به نوک کلک گهر را جگر همی سفتن      به گام صیبت، مجارات با صبا کردن  
(همان: ۳۹۱)

۵. جهان جان کمال الدین اسماعیل      شنیدم دی که ناگهان فرو شد  
دریغ آن شمع روشن دل که ناگاه      به باد درد بی درمان فرو شد (اومانی، ۱۰۲۰: ۱۳۲)
۶. فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲۶، ص ۳۶۲
۷. فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۶۰۷
۸. فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۸، ص ۴۸۹
۹. فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ج ۲، ص ۲۴۰۱
۱۰. مجاورانش سحرخیز و شب‌شکن زاناند      که صبح سان همه را رو به سوی کف عطاست

(اثیرالدین اومانی، ۱۳۹۰: ۱۷۷)

که دل دوستی شرع محمد گم کرد

(اثیرالدین اومانی، ۱۳۹۰: ۴۱۴)

۱۱. علی تفرشی آن دشمن بویکر و عمر

۱۲. و له بهجاء کمال الدین علی مستوفی

۱۳. و له یمدح الخواجه نظام الدین

### منابع:

#### الف) کتاب ها

۱. اصفهانی، کمال الدین اسماعیل (۱۳۴۸)، دیوان شعر کمال الدین اسماعیل اصفهانی، تصحیح حسین بحر العلومی، تهران، دهخدا.
۲. اومانی، اثیر (۱۳۹۰)، دیوان اثیر اومانی، تصحیح امید سروری و عباس بگ جانی، تهران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۳. اومانی، اثیرالدین، دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۱۶۷۸۶، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۴. -----، نسخه خطی شماره ۱۵۰۱، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۵. -----، دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۱۸۸۳، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۶. -----، دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۷۸۸۶، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۷. -----، دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۲۴۰۱، کتابخانه ملی ایران.
۸. -----، دیوان اشعار، نسخه خطی شماره ۲۳۷۳، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۹. جاجرمی، محمدبن بدر (۱۳۵۰)، مونس الاحرار فی دقایق الشعراء، تصحیح میرصالح طبیبی، تهران، انجمن آثار ملی.
۱۰. دولتشاه سمرقندی، ابن علاء الدوله (۱۳۸۲)، تذکره الشعراء، تصحیح ادوارد براون، تهران، اساطیر.
۱۱. کاشانی، تقی الدین (۱۳۸۴)، خلاصه الشعراء و زبدة الافکار، تصحیح نفیسه ایرانی، تهران، میراث مکتوب.
۱۲. گلچین معانی، احمد (۱۳۹۳)، تاریخ تذکره های فارسی، تاریخ تذکره های فارسی، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت نامه، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲)، راهنمای ویراستاری و درستی‌نویسی، چاپ سوم، تهران، علم.
۱۵. صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸)، تاریخ ادبیات در ایران، ۸ جلد، تهران، فردوس.
۱۶. مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۶۴)، دیوان انوری، چاپ دوم، تهران، علمی فرهنگی.
- ب) مقالات:**
۱۷. پاشایی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «زندگینامه اثیرالدین اومانی»، پژوهشنامه علوم انسانی تاریخ ادبیات، دوره ۷۳، شماره ۳، صص ۹۹-۱۲۲.
۱۸. ----- (۱۳۹۲)، «بررسی ویژگی‌های سبک اثیرالدین اومانی»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، دوره ۶، شماره ۱ (پیاوسته ۱۹)، صص ۵۹-۷۳.
۱۹. یلمه‌ها، محمدرضا (۱۳۹۱)، «گمنامی بنام در تاریخ ادب فارسی»، آئینه میراث، شماره ۵۰، صص ۲۶۵-۲۸۳.